

خریداران و فروشندگان

در صرافی‌ها چه کسانی هستند؟

یوسف حیدری/ پله‌های مترو ایستگاه فردوسی را که بالا می‌آیی صدای شان بلندتر می‌شود. «آقا، خانم سهمیه کارت ملی یادت نره». دختر جوان که قیمت خرید دلار را می‌پرسد با دست مرد جوانی را نشان می‌دهد و می‌گوید با او صحبت کنید. مرد هر چند لحظه یک بار اطرافش را نگاه می‌کند. زنگ موبایلش قطع نمی‌شود و بعد از پایان هر مکالمه دوباره تلفنش زنگ می‌خورد. «برای هر کارت ملی ۵ هزار دلار و ۲ هزار یورو می‌تونید بگیرید. ما سهمیه کارت ملی شما را می‌خریم. برای هر ۲۵۰۰ دلار ۶۰۰ هزار تومان می‌دیم و آگه ۵ هزارتا را کامل بگیریم یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان به شما پرداخت می‌کنیم.»

قیمت فروش بازار آزاد الان ۴۶ هزار و ۴۱۳ تومانه. قیمت خرید هم ۴۵ هزار و ۱۲۰ تومان، اما من ۳۰۰ تومان بالاتر می‌خرم. این را مرد میانسالی که دستگاه پوز به دست گرفته می‌گوید و به در خروجی صرافی خیره می‌شود. می‌گوید ۳۰ سال است در همین راسته خیابان فردوسی خرید و فروش دلار می‌کند و تلاطم این بازار با قیمت‌های دستوری آرام نمی‌گیرد. «الان آگه دقت کنید تفاوت زیادی بین قیمت دلار صرافی با دلار بازار آزاد نیست. اینهایی که می‌بینی برای خرید اومدن خیلی هاشون فقط برای پس‌انداز و حفظ سرمایه، دلار می‌خرند. تا زمانی هم که بازار عرضه و تقاضا ثبات نداشته باشه وضعیت همینطوری باقی می‌مونه. این ۵ هزار دلاری هم که توی یک سال می‌تونی بخری اثر زیادی توی بالا و پایین شدن قیمت دلار نداره. اینکه رئیس بانک مرکزی گفته جریان قیمت‌ساز تلاش می‌کنه قیمت بالا ایجاد کنه کار ما خرده‌پاها نیست. ما نمی‌تونیم قیمت‌سازی کنیم.»

هر لحظه صف مقابل صرافی بلندتر می‌شود و یکی از کارمندان جلوی در می‌ایستد تا بعد از کنترل کارت ملی و کارت بانکی اجازه ورود به داخل صادر شود. سراغ یکی از صرافی‌های مجاز بانک مرکزی در خیابان میرداماد می‌روم. برخلاف خیابان فردوسی اینجا خبری از ازدحام و صف نیست. یکی از کارمندان صرافی با تأیید اینکه امروز سهمیه ۱۰۰ هزار دلاری صرافی را خریداری کرده است، می‌گوید: «از صبح امروز ۸۰ هزار دلار فروختیم و الان هم مشغول حواله ۲۰ هزار دلار باقیمانده برای یکی از مشتری‌ها هستیم. نمی‌دونم چرا صرافی‌های خیابان فردوسی میگن دلار نداریم. البته به عنوان کسی که سال‌هاست توی بازار ارز فعالیت می‌کنم معتقدم کنترل بازار ارز منوط به سقف ۵ هزار دلاری که برای هر نفر تعیین شده‌ست، نیست و با دستور هم مشکل قیمت ارز حل نمیشه. عمده

راسته خیابان فردوسی در روز دوشنبه ۲۴ بهمن ماه شلوغ‌تر از روزهای دیگر است. جمله تکراری که می‌شنوی خرید و فروش دلار و یورو است. مقابل هر صرافی چند نفر ایستاده‌اند و با دیدن هر رهگذر، بسته دلارها را تکان می‌دهند. چند نفری هم با موبایل مشغول گرفتن آخرین قیمت ارز هستند و سفارش خرید دلار می‌دهند. داخل هر صرافی که می‌شوی با صدای بلند می‌گویند «دلار نداریم، یورو هم نداریم. فقط می‌خریم». یکی از مشتری‌ها با اشاره به صحبت‌های اخیر رئیس بانک مرکزی می‌گوید: «دیشب گفتند در ۶۰۰ صرافی ارز به مقدار مناسب توزیع می‌شود. من همان ۵ هزار دلار که با کارت ملی می‌دهند می‌خواهم و بیشتر نمی‌خواهم.» کارمند صرافی سرش را پایین می‌اندازد و بی‌اعتنا به حرف مشتری می‌گوید: «از صبح که به ما ارز ندادند. آن طرف خیابان بانک ملت ارز دارد و باید چند ساعتی در صف بمانی.»

به همه صرافی‌های خیابان فردوسی و مرکز تجارت جهانی فردوسی سر می‌زنم. خبری از فروش دلار نیست. همه بی‌هدف چرخ می‌زنند و چند نفری هم تلفنی مشغول خرید و فروش ارز می‌شوند. قیمت‌های ارز روی نمایشگرهای صرافی‌ها نقش بسته و کمی آن طرف‌تر هم تابلوی قیمت سکه طلا با عدد ۲۵ میلیون تومان روشن می‌شود. با نمایش قیمت سکه دو زن میانسال که روی صندلی مقابل صرافی‌ها نشسته‌اند با تلفن از کسانی که پشت خط هستند می‌خواهند سکه‌هایشان را برای فروش بیاورند. عقربه‌ها ساعت ۱۲ ظهر را نشان می‌دهند که مردم مقابل یکی از صرافی‌ها صف می‌کشند. بالاخره فروش دلار آغاز می‌شود و هرکسی با کارت ملی می‌تواند ۲ هزار دلار سفید بخرد. کلمه دلار سفید کنجاوی چند نفر را در پی دارد. دختر جوانی که انتهای صف ایستاده مشغول توضیح این نوع دلار می‌شود و می‌گوید: «فرقی با دلار آبی نداره و وقتی بخواید بفروشید ارزان‌تر از شما می‌خرند. توی همه کشورهای منطقه هم اعتبار داره. البته ممکنه بین‌شان اسکناس پاره هم باشه که وقتی بخوای بفروشی ارزان‌تره. به نظر من هرچی هم دادن بخری. پنجشنبه هم فقط این صرافی دلار می‌فروخت. ۳ هزار تا خریدم و امروز هم می‌خواهم ۲ هزارتای بقیه را بخرم.»

یکی از آنها با موبایل سرگرم دادن آدرس صرافی می‌شود و با صدای بلند می‌گوید: «اکرم زود بیا تا تمام نشده. کارت ملی و کارت بانکی بانک ملی رو هم بیار که زودتر خرید کنی. به آزاده و منیر هم بگو بیان.» با آغاز فروش دلار در صرافی، دلال‌های کنار خیابان هم به تکاپو می‌افتند. «چقدر می‌خواهی؟»

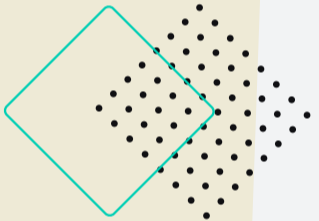


با آغاز فروش دلار در صرافی، دلال‌های کنار خیابان هم به تکاپو می‌افتند. «چقدر می‌خواهی؟» قیمت فروش بازار آزاد الان ۴۶ هزار و ۴۱۳ تومانه. قیمت خرید هم ۴۵ هزار و ۱۲۰ تومان، اما من ۳۰۰ تومان بالاتر می‌خرم. این را مرد میانسالی که دستگاه پوز به دست گرفته می‌گوید و به در خروجی صرافی خیره می‌شود

یورو بگیر تا ۸ میلیون یورو. اینها کسانی هستند که از تأمین ارز از بانک‌ها ناامید شدن و سراغ صرافی‌ها اومدن.» با پایان وقت اداری کرکره صرافی‌ها یکی یکی پایین می‌آید و ازدحام ماشین‌ها جای ازدحام آدم‌ها را می‌گیرد. اما فعالیت دلال‌های کنار خیابان ساعت ندارد. یکی از آنها با هیجان مشغول صحبت با تلفن می‌شود و می‌گوید: «۲۰ هزار دلار تا شب می‌خوام. آگه می‌تونی جور کنی الان پول بزنم به حساب.» پیرمردی عصازنان به او نزدیک می‌شود و با دست عدد ۴ را نشان می‌دهد و می‌گوید: «۴۰ دلار می‌خوام. هرچی هم شد پرداخت می‌کنم.»

مشکل ما توی بازار ارز نیما است. توی بازار حواله‌جات که برای صدور حواله ارزی برای واردات کالا است مشکل داریم. همین الان توی سامانه نیما دلار نیمایی که عرضه شده ۵۰ میلیون دلاره ولی همه اینها فروش نمی‌ره. به اعتقاد من توی بازار داخل مشکل نداریم و می‌تونیم ارز اون رو تأمین کنیم و الان مشکل ما توی بازار نیما است. خیلی از افرادی که برای خرید دلار میان نیما به این پول ندارند و فقط برای حفظ

مشکل ما توی بازار ارز نیما است. توی بازار حواله‌جات که برای صدور حواله ارزی برای واردات کالا است مشکل داریم. همین الان توی سامانه نیما دلار نیمایی که عرضه شده ۵۰ میلیون دلاره ولی همه اینها فروش نمی‌ره. به اعتقاد من توی بازار داخل مشکل نداریم و می‌تونیم ارز اون رو تأمین کنیم و الان مشکل ما توی بازار نیما است. خیلی از افرادی که برای خرید دلار میان نیما به این پول ندارند و فقط برای حفظ



با پایان وقت اداری کرکره صرافی‌ها یکی یکی پایین می‌آید و ازدحام ماشین‌ها جای ازدحام آدم‌ها را می‌گیرد. اما فعالیت دلال‌های کنار خیابان ساعت ندارد. یکی از آنها با هیجان مشغول صحبت با تلفن می‌شود و می‌گوید: «۲۰ هزار دلار تا شب می‌خوام. آگه می‌تونی جور کنی الان پول بزنم به حساب.»

پیرمردی عصازنان به او نزدیک می‌شود و با دست عدد ۴ را نشان می‌دهد و می‌گوید: «۴۰ دلار می‌خوام. هرچی هم شد پرداخت می‌کنم.»

